

ردیف هفت دستگاه موسیقی ایرانی

گردآورنده: موسی معروفی

همراه با

شرح ردیف موسیقی ایران

نوشته‌ی

دکتر مهدی برکشلی



مؤسسه‌ی فرهنگی-هنری ماهر

تهران ۱۳۸۹

یادداشت ناشر

ردیف موسیقی ایران مجموعه‌ی نغمه‌ها و آهنگ‌ها (گوشه‌ها)یی است که با نظمی خاص و متناسب با اصول زیبایی‌شناسانه و منطق هنری این سرزمین در قالب ۷ دستگاه (شور، سه‌گاه، چهارگاه، ماهور، همایون، راست‌پنجگاه و نوا) و ۵ آواز (ابوعطا، دشتی، افشاری، بیات ترک و بیات اصفهان که از ملحقات دستگاه شور و همایون هستند) شکل گرفته است. این مجموعه تجلی احساسات لطیف، اندیشه‌های عمیق و ذوق سلیم هنرمندانی است که غم‌ها، شادی‌ها و آرزوهای‌شان را با توسل به هنر والای موسیقی از صدق دل روایت کرده‌اند. ردیف موسیقی ایران در گذر زمان پرفراز و نشیب حیات خود، دگرگونی‌های بسیار دیده و با همه‌ی غربت و غرابت و فرسودگی‌اش یگانه تکیه‌گاه فرهنگ موسیقی ایرانی است. این میراث شفاهی گران‌قدر که به‌صورت سینه‌به‌سینه به دست ما رسیده است با هزاران رشته‌ی پیدا و ناپیدا در روح و جان و فرهنگ انسان ایرانی ریشه دارد و بیان موسیقایی و نوعی تفسیر هنری دنیای درون و محیط پیرامون این انسان است. دوام و بقای موسیقی ایرانی بستگی به ردیف دارد. ردیف، منبع اصلی آموزش موسیقی ایرانی و یگانه ابزار درست‌خواندن و درست‌نواختن این موسیقی است.

آنچه امروز به‌عنوان ردیف سازی موسیقی ایرانی در دسترس ماست مدیون همت و تلاش میرزا عبدالله و آقاحسین قلی‌دو برادر از خاندان معروف به «خاندان هنر» و از موسیقی‌دانان و نوازندگان بنام اواخر دوره‌ی قاجار است. کتاب ردیف موسیقی ایران، که توسط شادروان استاد موسی معروفی گردآوری شده، بر ردیف آقامیرزا عبدالله و آقاحسین قلی استوار است و با ردیف تنظیم شده به‌وسیله‌ی مهدی قلی‌هدایت منطبق شده است. از آنجا که همگی استادان موسیقی ایرانی بر نام و روند گوشه‌های ردیف هم‌داستان نیستند، حدود ۴ دهه‌ی پیش به دعوت اداره‌ی هنرهای زیبا جلساتی با حضور استادان به‌نام: نورعلی برومند، علی‌اکبر شهنازی، ابوالحسن صبا، احمد عبادی، رکن‌الدین مختاری و موسی معروفی تشکیل شد تا یک‌یک دستگاه‌ها، نغمه‌ها و گوشه‌های ردیف با حضور آنها مورد تفتیح و تأیید قرار گیرد. این جلسات یک سال و نیم به‌طول انجامید و تلاش این استادان برای اظهارنظر مشترک درباره‌ی نام و روند گوشه‌ها و چگونگی فروده‌ها به‌دلیل اختلاف عقیده بی‌نتیجه ماند. ناچار بنا بر آن شد تا ردیف گردآوری‌شده‌ی هریک از استادان جداگانه جمع‌آوری، نت‌نویسی و چاپ شود و آنگاه شورایی از موسیقی‌شناسان به تجزیه و تحلیل آنها بپردازد. به این ترتیب بود که ردیف گردآوری‌شده به‌وسیله‌ی شادروان موسی معروفی به‌عنوان نمونه برای چاپ انتخاب شد. موسی معروفی استاد تار و از شاگردان برجسته‌ی درویش‌خان بود. این استاد باذوق و هنرمند با تکیه بر ردیف آقاحسین قلی و میرزا عبدالله و استفاده از نوشته‌های استاد علی‌نقی وزیر ردیفی را گردآوری و منقح کرد که در سال ۱۳۴۲ منتشر شد. بنا به پیشنهاد استاد موسی معروفی، شادروان سلیمان روح‌افزا،

نوازنده‌ی تار، ردیف مذکور را از روی نت با تار اجرا و ضبط کرد (ردیف هفت دستگاه موسیقی ایرانی، موسی معروفی، اجرای تار سلیمان روح‌افزا، ۱۰ سی‌دی، مؤسسه‌ی فرهنگی- هنری ماهور، تهران ۱۳۸۸). زنده‌یاد استاد مهدی برکشلی نیز مقدمه‌ی مفصلی با عنوان «شرح ردیف موسیقی ایران» بر این اثر ارزنده نوشته و ضمن آن به تحقیق پیرامون گام‌های قدیم موسیقی ایران، تحولات این گام‌ها، دستگاه‌های قدیم موسیقی ایران و ارتباط دستگاه‌های جدید با آنها پرداخته است. بدون تردید این مقدمه‌ی محققانه که در نوع خود یک رساله‌ی موسیقی است بر اهمیت ردیف موسیقی ایران افزوده است.

مؤسسه‌ی فرهنگی- هنری ماهور با درک ضرورت حفظ و انتشار آثار و میراث گران‌بهای هنر کشورمان و با توجه به اهمیت و ارزش ردیف موسیقی ایران در امر پژوهش و آموزش موسیقی جدی و مفید، که باید از آن به نیکوترین شیوه برای اهداف والای فرهنگی و پرورش اصولی نسل‌های آینده بهره گرفته شود، اقدام به انتشار مجدد آن می‌کند.

مؤسسه‌ی فرهنگی- هنری ماهور

فهرست مطالب

۹	مقاله‌ی مهدی‌قلی هدایت
۱۳	شرح ردیف موسیقی ایران، دکتر مهدی برکشلی
۱۴	موسیقی عهد باستان
۱۵	موسیقی ایران و فتح اعراب
۱۸	تحقیق در گام موسیقی ایران
۱۸	تاریخچه‌ی گام موسیقی ایران
۱۹	دانگ یا ذوالاربع نزد ایرانیان
۲۲	تکامل گام نزد ایرانیان
۲۴	گام صفی‌الدین
۲۶	تحقیقات موسیقی‌شناسان درباره‌ی گام مشرق
۲۶	طرفداران ثلث پرده
۲۶	طرفداران ربع پرده
۲۷	غیرمنطقی بودن تقسیمات ثلث و ربع پرده
۲۷	روش‌های مستقیم
۲۸	آزمایش‌ها
۲۹	روش‌های اندازه‌گیری
۲۹	اسباب اندازه‌گیری
۳۰	اندازه‌گیری‌ها
۳۲	تحقیق صحت نتایج به‌وسیله‌ی اسیلگراف کاتدی
۳۲	اسباب‌های آزمایش و روش تحقیق
۳۴	گام کنونی موسیقی ایران

دستگاه‌های موسیقی قدیم ایران بعد از اسلام	۳۶
انواع ملایم	۳۶
دوره‌های ملایم	۴۰

ردیف موسیقی کنونی ایران	۴۸
۱. دستگاه شور	۴۹
الف- نغمه‌ی ابو عطا	۴۹
ب- نغمه‌ی بیات ترک	۵۰
ج- نغمه‌ی افشاری	۵۱
د- نغمه‌ی دشتی	۵۲
۲. دستگاه ماهور	۵۵
۳. دستگاه همایون	۵۸
نغمه‌ی بیات اصفهان	۵۹
۴. دستگاه سه‌گاه	۶۰
۵. دستگاه چهارگاه	۶۱
۶. دستگاه نوا	۶۳
۷. دستگاه راست‌پنجگاه	۶۴

فهرست ردیف هفت دستگاه موسیقی ایرانی و ملحقات آن	۶۷
دستگاه شور	۸۳
آواز ابو عطا	۱۷۹
آواز دشتی	۱۹۹
آواز افشاری	۲۱۷
آواز بیات ترک	۲۳۷
دستگاه سه‌گاه	۲۶۱
دستگاه چهارگاه	۲۸۹
دستگاه ماهور	۳۳۹
دستگاه همایون	۴۰۱
آواز بیات اصفهان	۴۵۳
دستگاه راست‌پنجگاه	۴۸۱
دستگاه نوا	۵۳۷

راهنمای علامات به کاررفته در نت‌نویسی ردیف برای تار	۸۱
---	----

مقاله‌ی مهدی‌قلی هدایت

آن کس که ز شهر آشنایی است داند که متاع ما کجایی است

سقراط در آخر عمر به موسیقی متوجه شد کنفوسیوس قانون‌گذار چینی مائه دوازده قبل از هجرت گوید مقام تربیت هر قومی را از تألیفات موسیقایی آن قوم توان شناخت. هندیان اختراع وینا ساز ملی خود را به پسر پراهما نسبت می‌دهند داود را به مزامیر ستوده‌اند.

فیثاغورث نغمات هفت‌گانه را انعکاس الحان افلاک دانست. توافق نغمات لاهوتی و ناسوتی را هارمنی نامید ظهیر فاریابی راست:

ز بس ترنم الحان مطربان در وی همیشه مغز فلک بر نوای موسیقار

بوعلی که در هر مورد هذالمراء می‌سرود چون به مبحث موسیقی رسید گفت هذالعلم این‌المراء. در تأثیر موسیقی یونانیان حکایتی دارند که در بنای شهر تب سنگ‌ها به نوای اُرفیه و آمفیون به محل ساختمان حرکت می‌کردند. سعدی در حکایت مشت‌زن گوید یکی از اسباب کسب معیشت آواز خوش است که به حنجر داودی آب را از جریان و مرغ را از طیران باز دارد.

رودکی در اثر نغمات مناسب نصرین احمد سامانی را چنان متقلب کرد که شبانه عزیمت بخارا نمود. از زمزمه‌ی مادر کنار گهواره فرزند تا ارجوزه مبارزان در میدان جنگ موسیقی مؤثر است.

اشتر به شعر عرب در حالت است و طرب تو خود چه آدمینی کز عشق بی‌خبری

حکایت فارابی در مجلس سیف‌الدوله از امرای آل همدان معروف است که به اختلاف پنجه اهل مجلس را به خنده و گریه و ترقص آورد در آخر بخواباند و از مجلس برفت.

و باز موسیقی در امراض دماغی مؤثر است ناله‌ی اسیر غضب امیر را فرو می‌نشاند.

در زمان ساسانیان موسیقی در ایران رونق کلی داشته است. اسامی رامشگران آن زمان در حکایات نظم و نثر باقی است. بارید، نکیس، سرکش، رامتن، بام‌شاد و غیره در رسائل پهلوی که فردوسی دیده است البته اشاره بوده است که می‌گوید:

به بریط چو بایست بر ساخت عود برآورد مازندرانسی سرود
که مازندران شهر ما یاد باد همیشه بر و بومش آباد باد

بعضی خلفا به موسیقی عنایت داشته‌اند در حق ابراهیم پسر مهدی عباسی گفته‌اند: نَحْنُ بِإِمَامٍ فَعَالٍ أَخَوْجُ مِنَّا بِهِ بِإِمَامٍ قَوْلٍ.

در مبادی امر موسیقی وسیله‌ی رازونیا بوده است. در مصر هنر روحانیون بود چنان‌که عیسویان پیروی ایشان کردند و موسیقی از لوازم کلیسا شد و پرورش مخصوص یافت.

غالباً جنبه‌ی لهو و لغو را در موسیقی قوت دادند و خنیاگری شغلی مبتذل شد ابوطالب لغوی رساله‌ای در موسیقی نوشته است و آن را کتاب العود والملاهی نامیده. در این قرن لامارتین بر آن است که بشر ره‌زنی قوی‌تر از صحنه‌ی تئاتر برای اخلاق اختراع نکرده است.

در عنوان لهو و لغو مسلمانان آن را منع کردند و شبهه نیست که لهو و لغو بشر را به سوی شر می‌کشاند در قرآن از این مقوله اشارتی نیست از آواز کریمه مذمت شده است که اِنَّ اَنْكَرَ الْاَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ و در حدیث است که لیس مِنَّا مَنْ لَمْ يَتَغَنَّ بِالْقُرْآنِ و باز زینوالقرآن باصواتکم. از آواز مسیح نمی‌توان دست کشید که رنگ شیطانی هم هست.

نوشته‌اند که اسحق موصلی در لحنی درمانده بود در خواب از شیطان بیاموخت. تارتینی از سازندگان ایتالیایی قطعه‌ای در موسیقی دارد موسوم به کادانت دو دیابل پیداست که شیطان در جلد بسی از اساتید رفته است.

معروف است که آقا علی اکبر شیطان را در خواب دید مورد خطاب شد که رنگ مرا چرا نمی‌زنی و آن رنگ را بدو تسلیم کرد. جا داشت که میرزا بگوید کدام رنگ است که منسوب به آن جناب نیست به روایت میرزا عبدالله قسمت معلوب از رنگ شهر آشوب چهارگاه است.

با موسیقی تهذیب اخلاق می‌توان کرد تضييع اخلاق می‌کنند از لحن و ایقاع نشاط روحانی باید خواست نه بساط شیطانی.

برجستن و پاگرفتن و چرخ‌زدن بازی باشد سماع چیز دگر است

در قرآن از شعرا مذمت شده است که الشعراء يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُنُ و باز حضرت رسول (ص) لبید شاعر را صله فرمود که گفت: الْاَكْلُ شَيْءٌ مَا خَلَّاهُ بَاطِلٌ وَ كُلْ نَعِيمٌ لَامَحَالَةَ زَائِلٌ.

پس شعرایی که به کلمات رنگین اغوای خلق و الغای خلق می‌کنند اهل جهنم‌اند و شعرایی که به مواضع حسنه تهذیب اخلاق می‌کنند سزاوار صله‌ی رسول (ص). همین حکم است در موسیقی و در هر امر دیگر اگر بگوئیم ضرب مورد منع است حضرت رسول (ص) در عروسی زهرا زنان را امر به نواختن دف فرمود و من گفته‌ام.

چون بیازد خاطر از کارت گردش باغ راحت جان است
گاه‌گاهی که طبع خسته شود یک دو نغمه همیشه درمان است
قدر شربت نگاه باید داشت کاین هم از پندهای لقمان است

حفظ صحت مقدم بر درمان درد است و اجتناب از موجبات لهو و لغو حفظ صحت اخلاق. در نتیجه گوئیم بعضی موسیقی آن هم در غیر موقع حرام است.

آنجا که برای اظهار احساسات لفظ باقی نمی‌ماند کار به ترنم می‌کشد. ترنم او تار روحیه را آرامش می‌بخشد و از ناکوکی می‌اندازد. شخص را آن‌گاه کوک گویند که او تار روحیه‌اش ساز باشد.

ضرب از نشاط و ترنم احساسات پیدا شده است و ضرب به کف‌زدن حاصل است و کسی نگفته است کف‌زدن حرام باشد چه بی‌خود کف نمی‌زنند و به کف‌زدن تضييع وقت نمی‌کنند.

نه انسان حیوانات هم در تأثر فریاد می‌کنند. ساز باز گوی آواز است و کلید گنجینه راز و نیاز. موسیقی در موقع تریاق است و بی‌موقع سم و همه‌ی داروها در همین حکم است و آنچه در هر کار البته حرام است اسراف است حتی اگر از رقص منظور تنظیم حرکات ظریف باشد می‌توانش جایز داشت و اگر تحریک شهوات حریف بآیدش از دست گذاشت.

در فرنگ یک دو قرن بیشتر نیست که موسیقی منزلی یافته و در ایران تازه قدم در این مرحله نهاده‌اند اما هنوز جنبه‌ی ملاحظه در آن غلبه دارد بسیار مردمان از مرد و زن با سازی بازی می‌کنند تاکی با احساسات روحانی دمسازی کنند. بالجمله موسیقی علم بر کمیات نسب نغمات و کیفیات تأثیر آنها در گوش است قدما آن را جزئی از ریاضی محسوب می‌داشتند اکنون بابتی از فیزیک شمرده می‌شود.

هر دوره اقتضائی دارد و اقتضای همه‌ی دوره‌ها تقلید بوده است و غالب ضعیف تقلید قوی و فقیر تقلید غنی می‌کند و زشت و زیبا پسندیده و ناپسند نمی‌نگرد اعم از اینکه تقلید بهتر یا بدتر باشد. تأسف در این است که آنجا تقلید راه ندارد باز تقلید می‌کنند چنان‌که امروز در موسیقی دیده می‌شود.

ترکیب کلمات و طرز گفتار هر قومی با موسیقی آن قوم دست به گردن است. حالات روحیه‌ی قوم مؤثر قوی. نمی‌گوئیم موسیقی فرنگی با نواقصی که دارد فاقد الحان مطبوع است. می‌گوئیم بسیار از الحان آنها به گوش ما خوش نمی‌آید. در طبع ایرانی عرفان غلبه دارد و زمینه‌هایی که در موسیقی فرنگی است با طبع عرفان سازگار نیست و آنچه اساتید ما ساخته‌اند بر زمینه‌ی طبیعی و موافق احساسات ماست و غالب تراوش طبع طایفه یا قومی به قول سعدی:

سخن کز جان برون آید نشیند لاجرم بر دل.

اگر بعضی گوشه‌های اجنبی را داخل در الحان می‌کنند ممکن است گاهی با طبع ایران موافق بیاید اما تتبع بسیار می‌خواهد و احتیاط عالمانه. متأسفانه ما امروز اختیار آنها بر خود تحمیل می‌کنیم نفهمیده و آنها ابعاد ما را مفید ندانسته. قلیل‌اند اساتید فرنگی که از روح موسیقی ما آگاه باشند.

در مدت هفت سال به تعلیم مرحوم دکتر مهدی‌خان منتظم‌الحکماء که بعد از شهنازی و میرزا عبدالله آخر استاد فن بود و غیر از او کسی واقف به ردیف نبود هفت دستگاه را من به نت فرنگی درآوردم و دو نسخه ترتیب دادم که نظیر ندارند و آنچه از اساتید رسیده است در آن ضبط است و تحفه‌ی اهل فن. یک از آن دو نسخه را تقدیم مدرسه‌ی عالی موسیقی کردم که یادگار و مورد استفاده باشد.

به تاریخ ۲۶ تیر ۱۳۲۱

مهدی‌قلی هدایت